



«زبان» جزء اساسی ذهن است/ محدودیت های ظرفیت شناختی انسان

بنیانگذار زبان شناسی مدرن با اشاره به اینکه زبان مهم ترین عنصر ذهن است گفت: تردید دارم که نسبتی میان «زبان» و «خشونت» وجود داشته باشد.

بنیانگذار زبان شناسی مدرن با اشاره به اینکه زبان مهم ترین عنصر ذهن است گفت: تردید دارم که نسبتی میان «زبان» و «خشونت» وجود داشته باشد.

به گزارش خبرنگار مهر، کتاب «ما چه طور مخلوقاتی هستیم» نوشته نوام چامسکی اخیراً منتشر شده است. این کتاب مجموعه درسگفتارهای چامسکی با عنوان «درسگفتارهای دیوئی» است که در سال 2013 در دانشگاه کلمبیا توسط وی ارائه شده است.

ماهیت زبان، محدودیتهای شناخت بشر و وظیفه انسان به عنوان موجودی اجتماعی در ایجاد «خیر مشترک» از جمله موضوعاتی است که در این اثر توسط چامسکی مورد توجه بوده است.

چامسکی در این کتاب درباره چرایی خلق انسان صحبت می کند و می گوید: ما به دنیا آمدیم برای آنکه سایر مخلوقات به این دنیا آمدند. درختان، سنگ ها و هر آنچه در هستی هست، خلق شده است. نکته مهم این است که وجود هر چیزی هدفی دارد و برای آن کارکردی در نظر گرفت شده است. بنابراین هر موجودی مدت زمانی را روی کره زمین زندگی می کند. پس روزی کارکردش تمامی می شود و عمرش به پایان می رسد و این نباید برای ما غم انگیز یا فاجعه آمیز به نظر آید.

او در این کتاب نظریه زنجیره بزرگ هستی را با مخاطبش مطرح می کند. زنجیره های بزرگ و فراگیر که در راس آن خداوند قرار دارد و این سلسله مراتب برای فرشته ها و انسان و دیگر مخلوقات در نظر گرفته شده است.

چامسکی در خصوص نسبت زبان و خشونت و اینکه آیا نسبتی میان زبان خاص با خشونت وجود دارد به خبرنگار مهر گفت: من تردید دارم نسبتی میان «زبان» و «خشونت» وجود داشته باشد به عبارت دقیقتر این نسبت برایم خیلی شناخته شده نیست.

وی در خصوص نسبت زبان و ذهن نیز افزود: میان زبان و ذهن ارتباط وجود دارد. به نظر من زبان عنصر اساسی «ذهن» است. در واقع زبان مهمترین عنصر ذهن است.

نویسنده کتاب «ما چه طور مخلوقاتی هستیم» در خصوص محدودیتهای شناخت بشر و راههای شناختی فائق آمدن بر آن نیز تصریح کرد: باید توجه داشت که میان محدودیتهای بیولوژیک و غیر آن تفاوت وجود دارد. اگر محدودیتهای شناخت بشر ناشی از محدودیتهای بیولوژیک باشد در این صورت نمی توان بر آنها فائق آمد.

این زبان شناس آمریکایی تصریح کرد: انسان می تواند از ظرفیتهای خود استفاده کند. انسان می تواند از ظرفیتهای خود برای نفوذ در دور دستها بهره بگیرد و به کشف چیزهایی بپردازد که دور از دسترس به نظر می رسیدند. به عبارت دیگر انسان ظرفیت این را دارد به فهمی گسترده از جهان دست یابد و دور دستها را درک کند.

چامسکی در پایان اضافه کرد: نسبت میان خشونت و سنخ نظام سیاسی و اینکه چه سنخ از نظام سیاسی بر خشونت تاکید دارد در فصل سوم کتابم مورد توجه قرار گرفته است.